

آنگاه تا آنکه در تاسیس این مرکز تحقیقات اسلامی مراعات نمود:

۱- دانشجو و محققان ایرانی که برای تحقیق و تالیف در تاریخ

و طب به کشورهای غربی می‌رفتند، از جناب آقای دکتر محمود نجم آبادی

مستفاد می‌شدند و به ایشان اجازه می‌دادند که در آنجا به تحقیق و تالیف بپردازند.

۲- در دبیر کل انجمن ایرانی تاریخ علوم و طب اسلامی

کتاب آبله و سرخک

تالیف: ابوبکر محمد بن زکریای رازی

طیب بزرگ اسلامی ایرانی

این کتاب از اهم کتب مفیده رازی است و از نظر آنکه محمد

زکریای رازی اول کسی است که دو مرض سرخک و آبله را بخوبی

شناخته و از عهده وصف آن بسیار نیکو برآمد. از این جهت این کتاب

مقام بزرگی در عالم طب پیدا کرده است.

اول دفعه این کتاب توسط توران والا در سال ۱۴۹۸ میلادی در

شهر ونیز از شهر های ایتالیا بلاتینی ترجمه و طبع گردیده است و پس

از وی کلن همین ترجمه را بفرانسه در سال ۱۵۵۶ میلادی در شهر

پوتیه فرانسه و پس از او پوله فرانسوی نیز آنرا ترجمه کرده است

در سال ۱۷۶۶ میلادی توسط مدو جان چانینگ انگلیسی بزبان

انگلیسی در انگلستان ترجمه و بعلاوه مجدداً در سنه ۱۸۴۸ میلادی از

طرف انجمن سیدنهام توسط گرین هیل ترجمه گردیده و همچنین

بسال ۱۸۶۶ ترجمه لاتینی آن در لندن تجدید چاپ و نیز بسال ۱۸۷۲ وی در بیروت توسط وان دیک چاپ شده و ترجمه لاتینی آن قریب چهل مرتبه در شهر های بال در سوئیس و گوتینگن در آلمان و پاریس و غیره بطبع رسیده است .

از نظر تاریخ طب این کتاب را میتوان در ردیف بزرگترین مؤلفات رازی دانست و در میان کتب طب اسلامی از اعظم کتب طب است چه اولین شرحی که با کمال دقت و سادگی و تحقیق از دو بیماری خطرناک آبله و سرخک در عالم بیان شده توسط این طبیب عالیشان ایرانی بوده است چنانکه گفته شد این کتاب بسال ۱۸۷۲ میلادی در بیروت بچاپ رسیده است بدین شکل

پشت جلد : کتاب فی الجدری والحصبه لابی بکر محمد بن زکریا الرازی طبع بنفقة المدرسة الكلية السورية الانجلیة فی مدینة بیروت .

و شامل مطالب ذیل است :

مقدمه : تذکرة الشیخ الرازی فی کتاب تاریخ الدول

فصل اول : در سبب آبله و اینکه چرا اغلب مردم از آن نجات

پیدا نمیکند

فصل دوم : در بدنهایی که مستعد ابتلاء باین مرض بوده و بیان

اوقاتیکه معمولا آبله در آن اوقات پیدا میشود

فصل سوم : در نشانههاییکه دال بر بیرون زدن آبله و سرخک است

فصل چهارم : در ذکر اعراض آبله بطور کلی

فصل پنجم: در احتراز از آبله قبل از بروز و جلوگیری از انتشار آن پس از بروز علامات

فصل ششم: در اموری که پیدایش آبله را تسریع میکند و آنرا بخارج میراند و در بروز آن به طبیعت کمک می کند

فصل هفتم: در مواظبت از چشم و گوش و مفاصل بیمار و بیان محللهائی که باید به آنها توجه داشت

فصل هشتم: در توضیح چیزهائیکه دانه های آبله را خشک مینماید

فصل نهم: در خشک کردن دانه های آبله

فصل دهم: در چیزهائیکه پوست آبله را می اندازد و جای آنها

را صاف مینماید

فصل یازدهم: در چیزهائیکه آثار آبله را از چشم و سایر جاهای

بدن میبرد

فصل دوازدهم: در تدبیر و تهیه غذای بیمار مبتلی به آبله

فصل سیزدهم: در تنظیم مزاج بیمار از لحاظ لیت و انقباض

فصل چهاردهم: در بیان نوع آبله های کشنده و یا بی خطر

تعداد صفحات این کتاب یکصد و دوازده صفحه پانزده سطری با

قطع کوچک است و بی مناسبت نیست که مختصری در باب موضوع

این کتاب از نظرات رازی بیان کنیم

از نظر فن طبابت کتابی است بسیار نفیس که در آن رازی مجموعه

تجارب و ملاحظات یکنفر طبیب مجرب که بیماران را با تعمق فوق العاده

دیده سپس نتایج گذارش آنرا در آن نگاشته و بعلاوه در ابتدای آن از

امراض عفونی با مطالعات دقیقی که نموده است صحبت میدارد .
مقالات و ابواب جدری و حصه تمام ازدوره کمون و سرایت و
دوره بیماری و شدت و بحران آن و خطرات و عواقب و تقدمه المعرفة و معالجه
و احتراز از بیمار و جمیع مسائل مربوط باین دو مرض را مانند کتب
طبی امروزی که يك يك مباحث بیماری را جدا گانه با شرح کامل بیان
میکنند ذکر نموده است .

بسیاری از مورخین و مطلعین اروپائی و غیر اروپائی را عقیده بر آنست
که کتاب آبله و سرخک رازی بزرگترین مؤلفات وی میباشد و نسبت
باین کتاب اهمیت فوق العاده قائل میباشند .

رازی اول طبیعی است که توضیحات و شرح لازم و دقیقی در روی
علائم و آثار و عوارض و معالجات دو بیماری نامبرده بیان داشته و در آن
بخوبی از عهده توصیف آبله و سرخک بر آمده و تذکره نویسان و مورخین
اروپائی (رجوع شود به کتاب تاریخ طب تألیف دکتر مونیه) که تاریخ
طب را برشته تحریر در آورده اند ویرا نخستین طبیعی میدانند که با طرز
مطلوب و پسندیده از دو ناخوشی فوق الذکر بیان مطلب نموده است .
رازی در کتاب خود پس از بقراط از امراض عفونی صحبت میدارد
و در باب آبله دو قسم بیماری قائل میشود :

نخست آبله حقیقی دوم آبله مرغان

و هر دو ناخوشی را با علائم و آثار و تشخیص کلینیکی نگاشته و بیشتر
از هر چیز توصیه نموده که در مدت تب قلب و نبض و تنفس و اجابت مزاج
و ادراک بیمار میبایست مورد دقت قرار گیرد .

او معتقد است که درجه حرارت ملایم برای مریض بثورات آبله را بهتر بیرون میریزد و مانند معالجات امروزی که چشم و صورت و دهان و گوش و سوراخ های بینی را از خطرات آتیدو جای آبله محفوظ و مصون میدارند توصیه مینماید که آنها را حفظ کنند و بدین مناسبت دستور شست و شو و چکاندن ادریه خاصی را برای محافظت آنها میدهد.

« کتاب الجدری و الحصبة » چه از نظر بیان علائم و تشخیص کلینیکی و چه از نظر معالجه در مقام خود، بزرگترین کتابی است که تا قرن هفدهم در باب این دو ناخوشی نگاشته و معلومات و اطلاعات جدیده و معاصر تغییر بزرگی در آن نداده است و این امر پایه و مقام این طبیب عالم را میرساند.

بعقیده ۴ . نویبورگر آلمانی کتاب فوق یکی از بزرگترین کتبی است که راجع به آبله نوشته شده و نشان میدهد که رازی از اطباءئی است که از روی عمل و تجربه کار میکرده و در تاریخ اپیدمیولوژی مقام مهمی را دارا است.

(الف) در مورد آبله است، رازی در کتاب خود شیوع آبله را بیشتر در اواخر پائیز و اوائل بهار و آنرا در اطفال بیشتر از اشخاص مسن میدانند و میگوید هر گاه آبله و فور یا بدییر مردان کمتر مبتلی میشوند.

علائم آنرا بدین شکل بیان مینماید « قبل از ظهور بثورات تب شدید، درد فوق العاده پشت، سوزش در بینی و هذیان در موقع خواب پیدا میشود پس از آن بیمار حس خارش میکند، گونهها بسیار قرمز و منتفخ، چشمها سرخ میگرددند. بیمار در تمام بدن احساس سنگینی

مینماید سپس خمیازه وریش آب از بینی سر فهدرد گلو و سینه و اشکال تنفس و خشکی دهان و سنگینی و درد سر و تهوع و بی تابی و اضطراب احساس مینماید « رازی یادداشت میکند که تشویش و اضطراب و تهوع در آبله مرغان بیش از آبله میباشد در صورتیکه در پشت از صفات مشخصه بیماری، آبله است » پس از آنکه دانه‌ها نمایان شدند می‌بایست در درجه اول چشمها و سپس بینی و گوشها را خیلی مواظبت نمود. این دانه‌ها که ابتدا سفید رنگ و کوچک میباشد ممکن است مجتمع و سخت شوند و اگر مریض پس از بروز آنها احساس راحتی ننماید و حالتش بطرف سختی سوق نماید علامت مرگ میباشد. « تاو لهائی که رنگ آن سیاه و یا مایل بسبزی میباشد بسیار خطرناک و هر قدر از سیاهی دور باشند خوش عاقبت تر خواهد بود. پس از آنکه تاو لها پیدا شدند تب بالا می‌رود، هر گاه پیش قلب شدید برای مریض هویدا گردد علامت بدی است. رازی بسیار اصرار دارد که در هر يك از ادوار بیماری میبایست معالجه مخصوص بآن دوره را مجری داشت. قبل از ظهور بثورات و دانه‌ها باید تسریع در بیرون زدن آنها بعمل آید پس از ظهور آنها مواظبت کامل از چشمها، منخرین، مفصل‌ها و گلو بشود. اطاق مریض را توصیه مینماید که خنک و معتدل باشد و با مواد و اغذیه‌ای که حرارت را کم نماید بیمار را غذا دهند. بنا بر این مطبوخ عدس شیر، مرغ آبغوره زده و میوه‌های ترش یا مطبوخ این میوه‌ها را برای مریض تجویز مینموده که از شدت بثورات کم کند زیرا عقیده داشته‌تر شیجات

از شدت بیماری می‌کاهد، مریض را از ذات‌الجنب و ورم گلو مصون می‌دارد.

برای مریض حمام و شستشوی با آب سرد تجویز مینموده است. غیر از احتیاط‌های فوق جمیع احتیاطات لازم‌دیگر را نیز بیان میدارد که باید اذعان داشت معالجات رازی با طرز فعلی تفاوت کلی نداشته و اصول تداوی امروزی با هزار سال قبل که این نابغه مجری میداشته است چندان تباینی ندارد.

علائم و اشکال مختلفه و تقدمه‌المعرفة که برای آبله بیان میدارد میتوان گفت همان است که حالیه در کتب علم‌الامراض مضبوط میباشد انتقال بیماری آبله را رازی از راه سرایت توارثی از راه خون توسط مخمر مخصوص که از مادر به جفت و از آنجا به جنین میرسد میداند.

این مخمر در جریان خون وارد شده و مواد مضره از خود خارج می‌سازد و از آن پس شخص با آبله مبتلی میشود و ممکن است نیز بدیگران سرایت نماید و بدین وسیله میباشد که رازی سرایت آبله را بدیگران قائل بوده است.

حال اگر این عقیده را با علت امروزی مطابقت نمائیم و بجای مخمر مثلا با کتری یا ویروس گذاریم می‌بینیم که فرض هزار سال قبل رازی با امروز نیز قابل قبول میباشد (رجوع شود بکتاب تاریخ طب تألیف چارلز گرین کمستون ۴۰۰ د ترجمه ماد ام‌دیسیان دوفلوران،

ب در مورد سرخک - در سرخک علائم را باین طریق بیان

میدارد که چشم‌ها پر آب و گونه‌ها منتفخ و در تمام بدن حرارت خشکی با چهره افروخته دیده میشود، پوست بدن و لثه‌ها نیز سرخ میشود. بثورات سرخک عموماً در روزهای سوم ظاهر میگردد و ممکن است روز اول و دوم هویدا گردند.

رازی عواقب این بیماری با جمیع خصوصیات و بثورات يك يك را تحت مطالعه دقیق قرار داده میگوید:

«اگر بثورات سفید و پهن و خفیف و کم باشند مرض خوش عاقبت است ولی هر قدر بنفش و سیاه باشد عاقبت و خیم دارد مخصوصاً میبایست فرجام و تقدمه المعرفة کسالت را در موقعیکه بثورات بطرف سیاهی میروند و مجتمع میباشند در نظر داشت»

بطور کلی اروپائیان و پزشکان آن سرزمین از مزایائی که برای دانشمندی ایرانی قائل میباشند طرز نگارش و شرح و بسط و ترتیب صحیحی است که این پزشک نامی در مورد بیماریهای مخصوص در بیماری فوق الذکر بیان داشته است.

در اینجا متذکر میگردیم که معنی کلمه حصبه معمول به امروز سرخک است و کلمه حصبه که اینک بغلط در میان مردم مشهور است صحیح نیست بلکه کلمه صحیح آن مطبقه است و همان است که خراسانی‌ها آنرا «دامنه» میگویند و کلمه محرقه تیفوس اگزانتوماتیک میباشد.

امید است بهمت همکاران حقایقی از طب اسلامی مخصوصاً خدمات ایرانیان باین شعبه از علوم اسلامی در آتیه روشن تر گردد و اطباء ایران

بتوانند بر بنای طب پیشینیان خشتی چند بگذارند: نامشخص است

چرا که:

والعلی محظورة الاعلی و الامن بنی فوق بناء السلف الی غیره

طهران دیماه ۱۳۴۱

دکتر محمود نجم آبادی

که باید اذعان داشت معالجات و تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

اصول تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات

تداوی امروزی با تدریس و تالیفات و تالیفات و تالیفات